

نگاهی به سالیان گذشته و تجربیات کارگران در همین زمینه به خوبی روشن می‌سازد که تعیین حداقل دستمزد برای کارگران در سال آینده نیز هیچ همخوانی با واقعیات اقتصادی کارگران میهنمان ندارد. همین امر که خود محبوب اعتراف می‌کند فشارهای زیادی را به اصطلاح متحمل می‌شود، به علاوه افزایش ۱۵ درصد دستمزد کارگران از طرف دولت، به خوبی نمایانگر این موضوع است. هدفی که محبوب در این مورد دنبال می‌کند، آماده کردن و آزمایش افکار عمومی کارگران میهنمان در این رابطه است. کارگران در حالی که در همین سال جاری شاهد اقدامات ضد کارگری متفاوتی همچون خارج شدن کارگاه‌های ده نفر و کمتر، از شمول قانون کار بودند که هدف آن به انقیاد کشیدن بیشتر کارگران در وضعیت بی‌قانونی محض بود، هیچ گونه توهمی درباره اقدام رژیم کنونی در راستای تعیین عادلانه دستمزدها ندارند. رژیمی که تعداد زیادی از زحمتکشان میهن را با وضع چنین قوانینی با مشکلات حیاتی روبرو می‌سازد به طور حتم و یقین در مورد تعیین حداقل دستمزدها نیز تابع همان سیاست‌های ضدکارگری خواهد بود. با اینکه محبوب بنا بر اساس همین گزارش از شوراهای اسلامی کار خواسته پیشنهادتشان را در این رابطه در اختیار شورای عالی کار قرار دهند، اما مشخص است که هدف او جلوگیری از ناراضی‌های کارگران در این مورد است. در چنین وضعیتی کارگران میهنمان همچون سال‌های گذشته بایستی در انتظار سال پرمشقت دیگری در رابطه با دستمزدها باشند. کارگران در حالی بایستی با چنین وضعیتی مشغول به کار شوند که حتی در چارچوب این حداقل‌ها فاقد امنیت شغلی می‌باشند. اخراج هر روزه کارگران به بهانه‌های مختلف و تعویق در پرداخت حقوق‌های عقب افتاده آنها نمونه‌ای دیگر از وضعیت اسفبار کارگران میهنمان است.

روزنامه رسالت و هراس از آینده

روزنامه رسالت، ۳۰ بهمن سرمقاله‌ی بی‌به قلم امیر محبیبان دارد که بیانگر دلشغولی مرتجعان حاکم در مواجهه با خواسته‌های مردم است. مقاله با بیان اینکه، "زمان تغییر فرارسیده است و جناح متفق دولت به دلایلی هر چه سریعتر باید خود را با شرایط نوین تطبیق دهد"، در دلایل این امر، به نکاتی از جمله، نهادینه شدن مردم سالاری در اعماق جامعه، ترکیب و تحولات جمعیتی، مخدوش شدن تصویر دو قطبی راست و چپ در جامعه و افول سطح حمایت افکار عمومی از جبهه دوم خرداد، اشاره می‌کند و مودیانه در صدد است چهره‌ای انسانی و غیر واقعی از جناح ذوب در ولایت را به خواننده القاء کند و در تشریح وضعیتی که باعث افول جناحین حکومتی نزد مردم گردیده است، می‌نویسد: "تصویر دو قطبی راست-

حداقل دستمزد کارگران و واقعیات روز

با پایان گرفتن هر سال و آغاز سال جدید، دولت جمهوری اسلامی اقدام به تعیین حداقل دستمزد کارگران کشور می‌کند. علیرضا محبوب، کارگزار رژیم در خانه کارگر در این باره اظهار داشت که پیشنهاد دولت برای افزایش دستمزد کارگران در سال ۸۲ در حدود ۱۵ درصد است. وی در همین رابطه گفت: "برای تعیین سطح حداقل دستمزد در سال ۸۲ با وجود فشارهای زیادی که تحمل می‌کنیم کمیته‌ای تشکیل شده است تا بعد از جنجال سبد هزینه خانوار کارگری را تعیین کند. در همین رابطه پیشنهادهایی از دو ماه پیش به شورای عالی کار فرستاده شده است تا با توجه به نرخ تورم حداقل دستمزد سال ۸۲ حداکثر تا ۲۲ اسفند اعلام می‌شود." (ایسنا، ۲۹ بهمن)

نام مردم

ضمیمه

از کان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۶۵۴، دوره هشتم
سال نوزدهم، ۲۹ بهمن ۱۳۸۱

سفر هیئت سازمان ملل و ضرورت تشدید مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

سیمای واقعی رژیم بود. در اواخر هفته گذشته به دنبال اعدام فعالان سیاسی طرفدار حزب دموکرات کردستان، ساسان آل کنعان از طرفداران سازمان کومله نیز به دست مزدوران رژیم اعدام گردید. این اعدام در حالی صورت گرفت که مادر وی تلاش نافرجام و همه جانبه را برای دیدار با هیئت سازمان ملل برای توقف آن به کار بست که در نهایت به اقدام جنایت کارانه دیگری منجر گردید. در همین ارتباط مادر علیرضا اشراقی عضو تحریریه روزنامه تعطیل شده حیات نودرنامه‌ی بی‌به محمد خاتمی از وی درخواست کرد که نسبت به وضعیت فرزندش در زندان رسیدگی لازم را بکند. مادر علیرضا اشراقی در قسمتی از نامه خویش آورده است: "تمام دغدغه من این است در بحبوحه بلوای به پاخاسته، فرزندم قربانی تسویه حساب‌های پشت پرده قرار گیرد. تمحیل چهل روز انفرادی که منجر به کم کردن وزن بسیار و ایجاد وضعیتی برای پسر من که آرزوی مرگ و خودکشی داشته باشد، ظلم است." لازم به تذکر است که، مشابه نامه اخیر که توسط مادر علیرضا اشراقی به محمد خاتمی نوشته است، قبلاً توسط دیگر خانواده‌های زندانیان سیاسی در ارتباط با موارد مشابه نگاشته شده بود که تا به امروز به یک مورد هم ترتیب اثر داده نشده است. از دیگر اخبار نگران کننده دستگیری محسن سازگارا. و در نهایت آزادی وی از زندان بود. وی به دلیل ناراحتی قلبی هم اکنون در بیمارستان بستری

از هفته گذشته بدینسو، به دنبال سفر هیئتی از کمیسیون ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد به ایران مسأله زندانیان سیاسی با اهمیت و حساسیت بیشتری از جانب فعالان سیاسی طرفدار حقوق و آزادی‌های سیاسی دنبال گردید. رژیم ولایت فقیه از هنگام آغاز سفر این هیئت به ایران تلاش مذبوحانه‌ای را آغاز کرد تا مانع از بازدید آزادانه این هیئت با زندانیان سیاسی دریند و آزاد شده و خانواده‌های آنان گردد. ماموران سرکوب گر رژیم ولایت فقیه در یک درگیری با خانواده‌های زندانیان سیاسی، مانع از ملاقات این خانواده‌ها با این هیئت گردیدند. پایگاه اینترنتی بازتاب در گزارشی موزیانه از این درگیری‌ها، از قول یک مقام انتظامی ضمن تکذیب ممانعت و ممنوعیت تماس مراجع کتندگان، نوشت: "البته نیروهای انتظامی به دلیل نظارت و جلوگیری از بروز هرگونه حادثه و مشکل و تامین امنیت هیات و نظم عمومی، در محل استقرار دارند. همین پایگاه در گزارشی دیگر ادعا کرد که تجمع کتندگان خانواده‌های وابسته به زندانیان مواد مخدر هستند. سفر هیئت وابسته به سازمان ملل در زمانی صورت می‌گیرد که رژیم ولایت فقیه در صدد است چهره‌ی بی‌خلاف و واقعیات را نزد افکار عمومی داخلی و بین‌المللی به نمایش بگذارد. حوادث همین چند روز اخیر میهنمان و اقدامات سرکوبگرانه برضد نیروهای مدافع آزادی و دگراندیشان سند روشنی در افشای

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری
برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه رسالت و هراس از آینده

چپ اکنون در جامعه ما مخدوش شده است و با بروز شکاف میان جناح دوم خرداد و نیز ظهور طیف بندی های دموکراتیک درون جناح منتقد که نوعی ارتقای سطح تحمل را در این جناح نوید می دهد، فضای رقابت سیاسی بتدریج از حالت احساسی خارج شده و شاهد قضاوت توده ها در مورد عملکرد جناح ها بر پایه کارآمدی آنان در حل معضلات خواهیم بود.

سرمقاله نویس رسالت باید بدانند که مهم ترین و بزرگ ترین معضل توده ها وجود همین رژیم سرکوب گر، بخصوص طیفی است که او آن را نمایندگی می کند است. سرمقاله نویس سعی دارد تحولات درون جامعه را محدود به جناحین حکومتی کند و دو گزینه فوق را پیش روی مردم بگذارد، در حالی که محببان می دانند که لااقل جناح مطبوع وی در چنان وضعیتی بسر می برد که بهترین تشریح آن را باید انزجار و تفرزند توده ها اعلام کرد. تفسیر محببان از حکومتیان طرفدار اصلاح شاید به دلیل بی عملی و مماشات آنها واقع بینانه باشد، اما اینکه به واسطه این امر، طیف بندی دموکرات از درون جناح منتقد سر برآورد را حتی با ذکر يك نمونه مثال نمی تواند ثابت کند. اصولاً این طیف دموکرات مورد نظر محببان که از درون جناح منتقد باید سربرآورد، چه گروه و اشخاصی هستند و قرار است چه تغییری را در سطح جامعه به وجود آورند؟ آیا طیف مورد اشاره خواستار آزادی مطبوعات است یا محدود کردن آنها؟ آیا خواستار آزادی زندانیان سیاسی است یا در بند کشیدن آنها؟ آیا طرفدار اعاده حقوق زنان است یا اجرای قوانین قرون وسطایی؟ آیا طرفدار اختیارات مطلقه ولی فقیه است یا تفویض اختیارات به مردم؟ آیا خواستار نظارت استصوابی است یا لغو نظارت استصوابی؟ آیا خواستار محاکمه آمران و عاملان قتل های زنجیره ای است یا مسکوت گذاردن این امر طبق روال فعلی؟ و ده ها مورد دیگر که توده های میلیونی در طول چند سال گذشته با شکل و شمایل گوناگون خواستار تحقق آنها گردیده اند. البته سرمقاله اشاراتی چند به «مانیفست نوین» که باید ارایه شود کرده است و می نویسد: «جناح باید برای افزایش سطح رفاه اجتماعی، کاهش فقر و شکاف طبقاتی، مشکل بیکاری، کمبود مسکن، نقص نظام بهداشت فراگیر راهکار ویژه خود را مطرح نماید. «مواردی که محببان به آن اشاره می کند بارها و بارها اتفاقاً از طرف جناح متبوعش مورد تاکید قرار گرفته و بر روی آن تبلیغات عظیمی کرده اند، منتها معلوم نیست تکرار همان نکات در مقاله ای که معتقد است «زمان تغییر فرارسیده است»، به چه معناست؟ جالب آنکه محببان اعتراف می کنند که، «تکرار سخنان با روش های پیشین بیگمان قادر نیست جذابیت لازم را برای جلب توجه افکار عمومی به وجود آورد»، اما در نهایت در همان سمت و سو قدم برداشته است، چون می داند بقای این رژیم وابسته به عدم تغییرات بنیادین می باشد. سرمقاله محببان در رسالت بیش از آنکه نشان گر بروز نشانه هایی از «عقلانیت» رژیم ولایت فقیه باشد، عجز، درماندگی و استیصال سرکوب گران را در مواجهه با توده ها نشان می دهد. چاره رفع معضلات جدی جامعه ما در اصلاحات بنیادین است و آنها هم تنها با طرد عامل اصلی این معضلات یعنی رژیم ولایت فقیه ممکن است و نه چیز دیگر.

ادامه سفر هیئت سازمان ملل متحد . . .

است. محسن سازگارا چندی پیش انتقادهای شدیدی را نسبت به علی خامنه ای به عنوان ولی فقیه ابراز داشت که بنا بر شایعات موجود علت دستگیری و زندانی شدن وی به همین دلیل بوده است. از دیگر خبرهای مربوط به زندانیان سیاسی مربوط به دکتر محمد ملکی است. وی در رابطه با دیدار کارشناسان حقوق بشر، با اشاره به اینکه هیئت مذکور تماسی با وی نگرفته است، گفت: «در باره زندان ۵۹ سپاه و ۵ سالی که در دهه ۱۳۶۰ در زندان بود و همچنین اعدام دسته جمعی زندانیان در سال ۱۳۶۷، اطلاعات خود را در اختیار سازمان ملل قرار خواهد داد.» به گزارش خبرنگار امیر کبیر که این خبر را انتشار داده است در رابطه با نامه اخیری که توسط وی نیز امضاء گردیده گفته است که دستگاه حکومتی می خواهد اینطور وانمود کند که دلیل عدم تماس ما با هیئت سازمان ملل، بر اساس تصمیم خودمان بوده است در حالی که آنها خواستار دیدار و ملاقات با این هیئت و در اختیار گذاشتن اطلاعاتشان به آنها می باشند. به گزارش همین خبرنگار یوسفی اشکوری یکی دیگر از زندانیان سیاسی نیز موفق به انجام ملاقات با نمایندگان سازمان ملل نگردیده است و این در حالی است که خبرهای نگران کننده در مورد ناراحتی چشم که بینایی وی را در معرض خطر قرار داده است توسط خانواده وی انتشار یافته است. بررغم دیگر شایعاتی که عدم دیدار ناصر زرافشان و علی افشاری را مقابله شخصی آنها عنوان کرده بودند، این دو نفر با تکذیب این شایعه خواستار ملاقات با نمایندگان سازمان ملل در امور حقوق بشر گردیدند. در مصاحبه ای که رضا عامری نسب، از اعضای دفتر تحکیم وحدت با خبرنگار امیر کبیر داشت، گفت: «شنیده شده است که قوه قضاییه کمیته کاری کمیسیون ویژه حقوق بشر سازمان ملل را از دیدار با جمعی از زندانیان سیاسی منع کرده است. از قرار معلوم افشاری، گنجی، اشکوری، زرافشان و سلطانی از جمله زندانیان لیست ۱۳ نفری می باشند که از طرف قوه قضاییه از دیدار با هیات ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل منع شده اند.» این اقدامات سرکوب گرانه محدود به زندانیان نمی شود و در خارج از زندان نیز اقدامات ضد مردمی بر ضد فعالان سیاسی شدت گرفته است. به گزارش پایگاه اینترنتی رویداد، رضا خاتمی در رابطه با این اقدامات گفت: «شروع حرکت های افراطی جدید در کشور مانند ورود به منازل تعدادی از اساتید دانشگاه و بستن دست و پای آنها و چاپ کتاب شنود اشباح، روندی جدیدی نیست که در کشور شروع شده باشد، بلکه این حرکات رگه های قبلی است که در کشور بوده و حاکی از نوعی عقب ماندگی سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی در بخشی از اقشار است که احساس می کنند رسالت مطلق برای هدایت جامعه دارند و آنچه می فهمند حق و درست است و جامعه را به زور می خواهند به سمت مدینه فاضله ببرند.» در آخرین نمونه از این اقدامات سرکوب گرانه قاسم شعله سعیدی یکی دیگر از منتقدین رژیم ولایت فقیه به هنگام بازگشت به ایران دستگیر و روانه زندان گردید. رژیم های سرکوب گر که بعضاً تحت فشارهای داخلی و بین المللی مجبورند در مقاطعی تن به روندی بدهند که در دسرهای زیادی را برای آنها به وجود خواهد آورد، در ظاهر هم که شده، سعی می کنند در این مقاطع با انجام مانورهای چهره ای قابل توجه از خود نشان دهند، و وقایعی که در طول سفر هیئت کارشناسان حقوق بشر وابسته به سازمان ملل متحد در این مدت اتفاق افتاده نشانگر این واقعیت است که موجودیت این رژیم در مقابله با خواسته های میلیونی مردم آنچنان لرزان و سست گردیده که حتی مجبور است در چنین مقطع حساسی هم بالاجبار دست به اعدام و تحت فشار قرار دادن فعالان سیاسی و زندانیان سیاسی بزند. نیروی عظیم توده ها با مقاومت خستگی ناپذیر خویش این اقدامات مذبحخانه را نیز با شکست مواجه می سازد. تشدید فشار داخلی و بین المللی برای آزادی زندانیان سیاسی بخش جدایی ناپذیری از مبارزه برای پیش برد امر اصلاحات و تحقق خواست های توده های مردم در زمینه آزادی ها و حقوق دموکراتیک است.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

18 February 2003

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

Supplement to Nameh Mardom-NO 654
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

حساب بانکی ما:
IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک